

Quran and Hadith Studies

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies, Research Article,

Vol. 14, No. 2, (Serial. 28), Summer 2021

<https://qhs.journals.isu.ac.ir/>

<https://isu.ac.ir/>

A Study of the Characteristics of the Linguistic Event of the Qur'an in the Duality of "Speech/Writing" with Emphasis on Narrations

DOI: 10.30497/quran.2020.15024.2952

Omid Ghorbankhani *

Mohammad Ali Tajari **

Mohammad Kazem Rahman Setayesh***

Received: 24/04/2020

Accepted: 09/12/2020

Abstract

The spoken or written language of the Qur'an is one of the emerging issues in the contemporary Qur'anic research that the acceptance of any view in this regard makes the approach to the divine word and its understanding different. Despite writing several works on this subject, many writings do not pay attention to the distinction between the duality of "speech/writing" and the duality of "spoken /written" and therefore confuse the concept of "writing" and "written" on the one hand and the concept of "speech" and "spoken" on the other hand. The present article, in a descriptive-analytical method by explaining the differences between the mentioned dualities and separating the field of research of each has considered the Qur'an as a linguistic event and based on narrations has examined its characteristics in the duality of "speech/writing". The study shows that the Holy Quran has a combination of speech characteristics (such as the presence of a linguistic relationship, high dependence on prosodic units) and written characteristics (such as predetermining the text, one-way language communication).

Keywords: *Speech, writing, language of the Quran, linguistic event, style of expression.*

* PhD student in Comparative Interpretation, Qom University, Qom, Iran. (Corresponding Author) hadithomid@yahoo.com

** Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Qom University, Iran. ma.tajari@yahoo.com

*** Assistant Professor, Department of Quran and Hadith, Qom University, Iran. kr.setayesh@gmail.com



دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، مقاله پژوهشی، سال چهاردهم، شماره دوم (بیاپی ۲۸)، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۱۳۳-۱۵۷

شاخصه‌های رخداد زبانی قرآن در دوگانه «گفتار/نوشتار»

با تأکید بر احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام)

DOI: 10.30497/quran.2020.15024.2952

امید قربانخانی*
محمدعلی تجری**
محمد کاظم رحمان ستایش***
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۹
مقاله برای اصلاح به مدت ۱۷ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده

گفتاری یا نوشتاری بودن زبان قرآن از موضوعات نوپدید در قرآن‌پژوهی معاصر است که پذیرش هر دیدگاهی در این باب، نوع رویکرد به کلام الهی و فهم آن را متفاوت می‌سازد. با وجود نگارش آثاری چند پیرامون این موضوع، بسیاری از نگاشته‌ها به تمایز میان دوگانه «گفتار/نوشتار» با دوگانه «گفتاری/نوشتاری» توجه نکرده و لذا دچار خلط بین مفهوم «نوشتار» و «نوشتاری» از یک طرف و مفهوم «گفتار» و «گفتاری» از طرف دیگر شده‌اند. جستار حاضر در روشی توصیفی - تحلیلی با تبیین تفاوت میان دوگانه‌های مذکور و تفکیک حوزه پژوهش هر کدام، قرآن را به مثابه رخداد زبانی لحاظ کرده و مبتنی بر روایات به بررسی شاخصه‌های آن در دوگانه «گفتار/نوشتار» پرداخته است. بررسی انجام گرفته نشان می‌دهد قرآن کریم تلفیقی از شاخصه‌های گفتار همچون: حضوری بودن رابطه زبانی، وابستگی زیاد به واحدهای زبرزنجیری، و شاخصه‌های نوشتار مانند: تعیین پیشانزولی متن، یکسویه بودن ارتباط زبانی را دارا می‌باشد.

واژگان کلیدی

گفتار، نوشتار، زبان قرآن، رخداد زبانی، سبک بیانی.

hadithomid@yahoo.com

ma.tajari@yahoo.com

kr.setayesh@gmail.com

* دانشجوی دکتری تفسیر تطبیقی دانشگاه قم، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

** استادیار گروه قرآن و حدیث، دانشگاه قم، ایران.

*** استادیار گروه قرآن و حدیث، دانشگاه قم، ایران.

این مقاله مستخرج از رساله دکتری دانشجو است.

طرح مسئله

از جمله موضوعات نسبتاً جدید در پژوهش‌های قرآنی، مسأله گفتاری یا نوشتاری بودن زبان قرآن است. پذیرش هر دیدگاهی در این باب، نتایج متفاوت و مهمی را در نگرش کلی نسبت به کلام الهی و روش فهم آن در پی دارد (ر.ک: آجیلیان مافوق و همکاران، ۱۳۹۷ش، ص ۱۰۵-۱۳۲؛ شاهسوندی و خانه‌زاد، ۱۳۹۲ش، صص ۹۹-۱۱۲)، از جمله آنکه مبتنی بر گفتاری شمردن زبان قرآن، برخی قرآن موجود را قدسی ندانسته و آن را تنها مجموعه‌ای از گفتارها و گفت‌وگوهای پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بر شمرده‌اند که پس از ایشان گردآوری شده است (ابوزید، ۱۳۹۶ش، صص ۲۳۵-۲۸۴)، برخی در مورد عباراتی از قرآن که با قبل و بعد خود تناسب موضوعی ندارند قائل به تأثیرگذاری حالات پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در کیفیت متن قرآن شده‌اند (نکونام، ۱۳۸۰ش، صص ۷۳-۷۵).

همچنین مبتنی بر نوشتاری دانستن زبان قرآن، بعضی قرآن‌پژوهان معتقدند تمام شرایط محیطی و پیرامونی دخیل در فهم آیات در لابه‌لای متن قرآن نهفته شده است. ایشان بر این باورند که گفتاری دانستن قرآن به معنای عدم انعکاس قرائن فرامتنی در متن آن است که با توجه به از بین رفتن حجم زیادی از این قرائن (همچون فضای نزول، سبب نزول، تاریخ نزول و...)، گفتاری تلقی کردن قرآن مستلزم پذیرش تحریف معنوی می‌باشد (آجیلیان مافوق و همکاران، ۱۳۹۷ش، صص ۱۲۷-۱۳۰). برخی پژوهشگران نیز روش «تفسیر قرآن به قرآن» علامه طباطبایی را مبتنی بر پیش‌فرض نوشتاری دانستن قرآن ارزیابی کرده‌اند، زیرا معتقدند لازمه استقلال دلالتی قرآن ذکر کلیه قرائن فهم، در متن قرآن است و ذکر تمام قرائن فهم در متن، از ویژگی‌های زبان نوشتاری است (نکونام، ۱۳۷۹ش، ص ۲۵).

واکاوی دیدگاه‌ها در باب گفتاری یا نوشتاری بودن قرآن نشان می‌دهد که برخی صاحب نظران با غفلت از آنکه دوگانه «گفتاری/نوشتاری» اشاره به دو سبک بیانی دارد و دوگانه «گفتار/نوشتار» ناظر به دو قسم از رخداد زبانی است، دچار خلط بین مفهوم نوشتار و نوشتاری از یک طرف و مفهوم گفتار و گفتاری از طرف دیگر شده‌اند و برای قبول یا انکار نوشتاری بودن قرآن به ویژگی‌های نوشتار و برای پذیرش یا رد گفتاری بودن آن به ویژگی‌های گفتار استناد کرده‌اند. به عنوان مثال نکونام به عنوان یکی از فائلان به گفتاری بودن زبان قرآن، پنداره عدم تناسب آیات ۱۶ تا ۱۹ سوره قیامت (آیات اقراء که پیامبر را از تعجیل در قرائت قرآن نهی می‌کنند) با قبل و بعد آن (که در مورد احوال قیامت است) را نتیجه نوشتاری فرض کردن سبک قرآن دانسته است. او با اعتقاد به اینکه اگر قرآن گفتاری تلقی شود آیات مذکور بی‌تناسب

نمی‌باشند (نکونام، ۱۳۷۹ش، صص ۲۸ و ۳۴) در تبیین وجه تناسب آن‌ها به کلام ذیل از فخررازی استناد می‌کند:

«این نظیر آن است که آموزگاری به هنگام تدریس خود ملاحظه کند، شاگردش به چپ و راست روی می‌گرداند، آنگاه در میان درس به او بگوید به چپ و راست روی مگردان، سپس به درس برگردد» (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۳۰، صص ۷۲۶-۷۲۷)

آشکار است ویژگی که محقق مذکور مبتنی بر آن سعی بر اثبات گفتاری بودن زبان قرآن دارد از مؤلفه‌های گفتار و کلام شفاهی است و ارتباطی با سبک گفتاری و محاوره‌ای کلام که در مقابل سبک نوشتاری و کتابی است ندارد.

با نظر به تمایز اصطلاحات مزبور و بی‌توجهی به تفاوتشان در برخی آثار گذشته و تأثیر زیادی که مسأله «گفتاری یا نوشتاری بودن زبان قرآن» در رویکرد به قرآن و فهم آن دارد، لازم است این موضوع مورد بازخوانی قرار گرفته، و مطالعاتی پیرامون ویژگی‌های زبان قرآن با نظر به تمایز حوزه پژوهش هر یک از دوگانه‌های مذکور، صورت پذیرد. در این راستا پژوهش حاضر به بررسی شاخصه‌های قرآن در دوگانه «گفتار/نوشتار» می‌پردازد و بدین منظور، ابتدا با تبیین دوگانه «گفتاری/نوشتاری» و «گفتار/نوشتار» حوزه مطالعاتی خود را تعیین کرده و سپس با ملاک قرار دادن روایات معصومان^(علیهم‌السلام) به عنوان معلمان حقیقی کلام الهی شاخصه‌های قرآن در دوگانه «گفتار/نوشتار» را شناسایی و معرفی می‌کند.

پیشینه تحقیق

مسأله گفتاری یا نوشتاری بودن زبان قرآن، نخستین بار توسط محمد آرکون در کتاب «الفکر الاسلامی نقد و اجتهاد» مورد توجه قرار گرفت. او در آن کتاب میان حالت شفاهی وحی و نص مکتوب آن تمایز قائل شد و بیان داشت که وحی در ابتدا عباراتی شفاهی بود که شنیده و حفظ می‌شد و کم‌کم از حالت شفاهی به صورت مکتوب درآمد (آرکون، بی‌تا، صص ۷۳ و ۷۷). پس از آرکون از جمله متفکران عرب که به این موضوع پرداخت نصر حامد ابوزید بود که در سال ۲۰۰۴ طی سخنرانی که بعداً با عنوان «رویکردی نو به قرآن؛ از متن به گفتار» چاپ شد بر ضرورت توجه به قرآن به مثابه گفتار نه یک متن تاکید کرد (ابوزید، ۱۳۹۶ش، صص ۲۳۵-۲۸۴). ابوزید در همین راستا قائل به تاریخ‌مندی قرآن است و آن را محصول فرهنگی عصر خود می‌داند (برای مشاهده مبانی او و نقد آن‌ها ر.ک: زرنوشه فراهانی، صفره، ۱۳۹۸ش، صص ۱-۲۲).

در ایران نیز این موضوع نخستین بار در مقاله «زبان قرآن؛ گفتاری یا نوشتاری» توسط جعفر نکونام مطرح شد (ر.ک: نکونام، ۱۳۷۹ش، ص ۲۱-۳۸) که دیدگاه‌های او در مقاله دیگری با عنوان «نقدی بر نظریه گفتاری بودن زبان قرآن» مورد نقد قرار گرفت (ر.ک: ایازی، ۱۳۷۹ش، ص ۱۹۰-۱۹۹). پس از این دو مقاله این موضوع کم‌کم در دیگر آثار قرآن‌پژوهی همچون «شبهات و ردود» (معرفت، ۱۴۲۳ق، ص ۴۲۱)، «التفسیر الاثری الجامع» (معرفت، ۱۳۸۷ش، ص ۶۴-۷۰)، «مستشرقان و قرآن» (زمانی، ۱۳۹۲ش، ص ۳۲۵-۳۳۰)، «تغییر مخاطب در قرآن» (شاهسوندی و خانه‌زاد، ۱۳۹۲ش، ص ۹۹-۱۱۲)، «تفسیر تنزیلی؛ مبانی، اصول قواعد و فواید» (بهجت‌پور، ۱۳۹۲ش، ص ۱۲۰-۱۲۵) و... نیز مورد اشاره و بحث قرار گرفت. اخیراً نیز در پژوهشی نوین با عنوان «نوش تاری بودن زبان قرآن در مقایسه با شاخصه‌های دیسکورس‌های گفتاری و نوشتاری» (آجیلیان مافوق و همکاران، ۱۳۹۷ش، ص ۱۰۵-۱۳۲) مؤلفه‌های نوشتار در زبان قرآن مورد بررسی قرار گرفته است.

آنچه پژوهش حاضر را از تلاش‌های ارزشمند پیشین متمایز می‌کند، توجه به موارد ذیل است:

- ۱- توجه به تفاوت میان دوگانه «گفتار/نوشتار» با دوگانه «گفتاری/نوشتاری» و مبتنی بر آن تنقیح حوزه پژوهش که مانع از خلط بین مفاهیم و مباحث می‌شود؛ آسیبی که بسیاری از تحقیقات قبلی از آن مصون نبوده‌اند.
- ۲- توجه به قرآن کریم به مثابه رخداد زبانی و احصاء شاخصه‌های آن، در حالیکه پژوهش‌های پیشین عمدتاً قرآن را از حیث سبک بیانی آن مورد بررسی قرار داده‌اند.
- ۳- توجه به احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام) با نظر به جایگاه علمی ائمه معصومین (علیهم‌السلام) در اشراف به همه ابعاد قرآن کریم، روایات ایشان ملاک سنجش شاخصه‌ها در دوگانه «گفتار/نوشتار» قرار گرفته است، در حالی که تحقیقات سابق درصدد آن نبوده‌اند.

۱. سبک بیانی؛ مقسم دوگانه «گفتاری/نوشتاری»

دوگانه «گفتاری/نوشتاری» به سبک بیان و نوع عبارت‌پردازی در ارتباط زبانی اشاره دارد و معادل دوگانه «محواره‌ای/کتابی» است چراکه سبک گفتاری غالباً در گفتار و سبک نوشتاری عموماً در نوشتار مورد استفاده می‌گیرد. اما اینگونه نیست که سبک گفتاری در نوشتار و سبک نوشتاری در گفتار به کار نرود، اگر مصداقی از گفتار همچون خطابه یا گفت‌وگو به همان سبک اصلی‌اش به کتابت درآید، نوشته‌ای با سبک گفتاری تلقی می‌شود، کما اینکه سبک بیانی نمایشنامه‌ها و فیلم‌نامه علی‌رغم مکتوب بودن گفتاری به شمار می‌آیند.

همین طور اگر کسی کتابی علمی را از روی متن آن برای دیگری بخواند، هر چند که ارتباط زبانی ایشان از جنس گفتار می‌باشد ولی سبک بیانی آن، نوشتاری قلمداد می‌شود. به همین جهت چنانچه سخنرانی به سبک نوشتاری سخن بگوید، می‌گویند: او کتابی یا لفظ قلم حرف می‌زند (باقری، ۱۳۷۴ش، ص ۳۴) و چنانچه نویسنده‌ای به سبک گفتاری بنویسد، می‌گویند: او محاوره‌ای نوشته است.

در مقایسه این دو سبک بیانی، زبان گفتاری مقدم بر زبان نوشتاری می‌باشد زیرا زبان نوشتاری همزاد استفاده از خط بوده و سال‌های پس از زبان گفتاری و براساس آن شکل گرفته است (صفوی، ۱۳۹۴ش، ص ۲۶). از این رو تفکیک بین زبان گفتاری و نوشتاری در عصر نزول قرآن وجهی ندارد، چرا که در زمان بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) تنها ۱۷ نفر در قریش خواندن و نوشتن می‌دانستند و در مدینه فقط ۱۱ تن باسواد بودند (رامیار، ۱۳۶۹ش، ص ۲۶۱).

بدین خاطر، در آن دوره زبان عربی به لحاظ سبک بیانی واجد دو زبان گفتاری و نوشتاری نبوده و چنین تفکیکی در آن رخ نداده بوده است. اصطلاحاً وضعیت زبان در چنین حالتی را پیش‌نوشتاری (preliterate) می‌گویند. زبان پیش‌نوشتاری به جوامع ساده و ابتدایی با روابط عموماً چهره به چهره تعلق دارد ولی زبان نوشتاری که بر اثر رشد فرهنگ و پیدایش نهادهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به وجود می‌آید، خاستگاهش جوامع متمدن‌تر با روابط پیچیده حضوری و غیابی است (آشوری، ۱۳۹۴ش، ص ۲۸-۲۹).

بنابراین بحث از اینکه زبان قرآن کریم گفتاری است یا نوشتاری، اگر بدین معنا باشد که سبک بیانی این کتاب در مقایسه با دو زبان گفتاری و نوشتاری متداول در عصر نزول مطابق کدام زبان بوده است، این سؤال به جهت عدم تحقق موضوع (به اصطلاح سالبه به انتفاء بودن موضوع) اساساً صحیح نمی‌باشد. اما اگر مسأله اینگونه تقریر شود که در مقایسه با شاخصه‌های کلی سبک گفتاری و نوشتاری که از فصل مشترک این دو سبک در فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف بدست می‌آید، قرآن کریم واجد کدام شاخصه‌ها می‌باشد این بحث صحیح بوده و جا دارد در پژوهشی مستقل بدان پرداخته شود. نکته قابل توجه آنکه چنین پژوهشی نباید مبتنی بر پیش‌فرض مطلق‌انگاری باشد و پیشاپیش زبان قرآن را گفتاری محض یا نوشتاری محض تصور کند. زیرا زبان قرآن علی‌رغم شباهت‌های بسیار به زبان بشر، لزوماً به طور کامل تابع چارچوب‌ها و قالب‌های آن نمی‌باشد، کما اینکه برخی شاخصه‌های ذکر شده برای اثبات گفتاری بودن زبان قرآن نیز اختصاصشان به زبان گفتاری مورد نقد قرار گرفته و اعم از سبک گفتاری و نوشتاری دانسته شده‌اند (ر.ک: ایازی، ۱۳۷۹ش، ص ۱۹۱-۱۹۹).

براین اساس پژوهش حاضر با پذیرش احتمال برخورداری قرآن از شاخصه‌های تلفیقی «گفتار» و «نوشتار»، ابتدا به تبیین دوگانه مذکور می‌پردازد و سپس شاخصه‌های هر یک را جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲. رخداد زبانی؛ مقسم دوگانه «گفتار/نوشتار»

زبان شناسان میان دو مقوله زبان و کلام تمایز قائل هستند. فردیناند سوسور که از او به عنوان بنیانگذار زبان‌شناسی مدرن یاد می‌شود، «زبان» (Langue) را از «کلام» (Parole) تفکیک کرده و معتقد است، زبان بخش اجتماعی تکلم و قوه ناطقه را تشکیل می‌دهد که مستقل از فرد و گفتارهای افراد است و هیچ فردی به تنهایی نه می‌تواند آن را بیافریند و نه آن را تغییر دهد و در مقابل، کلام جنبه فردی داشته و همان بکارگیری و استعمال زبان از سوی افراد می‌باشد که هیچ عامل همگانی در آن وجود ندارد و تظاهرات و جلوه‌های آن فردی و گذراست (واعظی، ۱۳۹۷ش، ص ۱۱۱).

دیگر زبان شناسان نیز با تعبیر دیگر به این تمایز اشاره کرده‌اند؛ از جمله پل ریکور فرانسوی این دو مقوله را با تعبیر «زبان» (Language) و «دیسکورس» (Discourse) از یکدیگر متمایز می‌کند. او زبان یا به تعبیری نظام زبان را امری واقعی می‌داند که فارغ از زمان و مکان و بکارگیری و استعمالش، در بردارنده نشانه‌هاست، و در مقابل دیسکورس را «رخداد زبانی» به شمار می‌آورد که با تکیه بر نظام زبان در زمان و مکان خاصی اتفاق می‌افتد. تبادل پیام در چارچوب دیسکورس محقق می‌شود و زبان تنها فراهم کننده شرایط ارتباط بوده و نظام‌های زبانی را در اختیار قرار می‌دهد. از این رو دیسکورس نه تنها موقعیت خاص زمانی - مکانی و فاعل و دنیای قابل اشاره دارد بلکه دارای مخاطب نیز هست. رخداد زبانی در دو قالب نوشتار (مکتوب) یا گفتار (شفاهی) محقق می‌شود. دیسکورس گفتار واقعه‌ای است که آشکار و سپس پنهان می‌شود ولی دیسکورس نوشتار به واسطه کتابت ثابت می‌ماند و پس از وقوع ناپدید نمی‌شود (واعظی، ۱۳۸۰ش، ص ۳۷۳-۳۷۴).

بنابراین گفتار و نوشتار اقسام تقسیمی هستند که مقسم آن «دیسکورس» یا «رخداد زبانی» می‌باشد. در ترجمه‌ها عموماً واژه «دیسکورس» به «گفتمان» برگردان شده است، ولی از آنجا که این معادل در زبان فارسی غالباً معنای گفتار را به ذهن متبادر می‌کند، در این پژوهش برای اشاره به «دیسکورس» از مفهوم «رخداد زبانی» استفاده شده است تا به عنوان مقسم گفتار و نوشتار، نسبتش به هر دو قسم مساوی باشد. در ادامه به بیان تفاوت این دو نوع رخداد زبانی پرداخته و میزان انطباق ویژگی‌های هر یک بر قرآن کریم بررسی می‌گردد.

۱-۲. شاخصه‌های گفتار در زبان قرآن

گفتار همان رخداد زبانی شفاهی است که از آن به سخن و کلام تعبیر می‌شود. مسلمانان بر این امر هم عقیده هستند که قرآن سخن و کلام الهی می‌باشد. این اعتقاد مبتنی بر نص قرآنی است که خود را «کلام الله» معرفی می‌کند: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ» (توبه: ۶)، «أَفَتَطْمَعُونَ أَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلَامَ اللَّهِ» (بقره: ۷۵)، «يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ» (فتح: ۱۵)، در برخی دیگر از آیات نیز با تعبیر «حدیث» (ر.ک: واقعه: ۸۱، قلم: ۴۴، مرسلات: ۵۰، طور: ۳۴، جاثیه: ۶، زمر: ۲۳، نساء: ۸۷) و «قول» (ر.ک: قصص: ۵۱، طارق: ۱۳) به قرآن کریم اشاره شده است که همگی دلالت بر گفتار بودن ماهیت قرآن دارند. چنین ماهیتی علاوه بر خود قرآن در روایات بسیاری نیز مورد اشاره قرار گرفته است؛ از جمله آنکه در ماجرای «مِحْنَةُ الْقُرْآن» که مسأله حدوث و قدم قرآن مطرح بوده است، معصومان^(ع) در مقابل پرسش از این موضوع، بر ماهیت کلام بودن قرآن تاکید کرده‌اند (ر.ک: ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ص ۲۲۳). با نظر به آنکه قرآن کریم گفتار و کلام الهی است، در این بخش شاخصه‌هایی از گفتار (در زبان عرفی) که مبتنی بر روایات می‌توان آن‌ها را برای قرآن نیز ثابت کرد، معرفی و تبیین می‌گردند.

۱-۱-۲. حضوری بودن رابطه زبانی

از ویژگی‌های گفتار آن است که رابطه متکلم و مخاطب در گفتار یک رابطه حضوری و بی‌واسطه است لذا گفتار یک رخداد زبانی حضوری است، در حالیکه در نوشتار ارتباط نویسنده و خواننده یک رابطه غیابی با واسطه متن است و بدین جهت نوشتار یک رخداد زبانی غیابی به شمار می‌آید. در رخداد زبانی حضوری گوینده و شنونده هر دو حاضر هستند و گوینده، کلام را با هدف القای معانی به مخاطبی که حاضر است ایجاد می‌کند، مخاطب نیز کلام را متوجه خویش می‌داند و در پی کشف ارتباط معانی آن با خود برمی‌آید. اما نوشتار، رخداد زبانی غیرحضوری است که هنگام نگارش متن، خواننده غایب می‌باشد کما اینکه در هنگام خوانش متن، بالعکس خواننده حاضر و نویسنده غایب می‌باشد (احمدی، ۱۳۸۹ش، ص ۶۲۶) و حتی در صورت حضور نویسنده، خواننده رابطه زبانی را با نوشته او برقرار می‌کند. علاوه بر این وجود رابطه حضوری در گفتار نسبت به نوشتار سبب تأثیرگذاری بیشتر گفتار نیز هست.

قرآن کریم کلامی است که خداوند آن را القاء کرده و به واسطه جبرئیل به پیامبر خدا^(صلی الله علیه و آله)

^(ع) ابلاغ فرموده است. با لحاظ اینکه خدای متعال وجود علی الاطلاق است که در همه مکان‌ها

و زمان‌ها حاضر است، مسلماً رابطه پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با صاحب قرآن در حین دریافت وحی رابطه حضوری بوده است. یعنی حضرت خود را در هنگام دریافت قرآن تماماً در محضر خداوند متعال می‌دیدند و خود را مخاطب او به‌شمار آورده و کلام الهی و معانی آن را متوجه خویش می‌دانستند. این رابطه یک رابطه غیابی بین نویسنده و خواننده که متنی به واسطه پیام‌رسان به حضرت منتقل شده باشد، نبوده است. تغییر احوالی چون عرق کردن، تغییر رنگ چهره، حالت اغمء، حالت خستگی و سنگینی و... که در پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هنگام دریافت وحی مشاهده می‌شده است نیز نشان از یک رابطه حضوری دارد (ر.ک: محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۱ش، ج ۱، ص ۲۱۴-۲۲۷)

بنا به روایات، مسلمانان نیز می‌بایست خود را مخاطب آیات قرآن دانسته و هنگام قرائت قرآن خود را در یک رابطه حضوری بدانند. از این رو سفارش شده است که هرگاه در قرائت قرآن به «یا أَيُّهَا النَّاسُ» و «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» رسیدید خداوند را مخاطب قرار داده و بگویید: «لَيْكِ رَبَّنَا» (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۲۴) این نیست مگر به جهت آنکه قرائت کننده قرآن باید خود را در مخاطبه با پروردگار دیده و خطاب‌های کلام الهی را متوجه خود بداند.

در روایتی مبتنی بر وجود همین رابطه حضوری بین صاحب قرآن و قرائت کننده آن، توصیه شده است که هنگام قرائت سوره الرحمن پس از فرازهای «فَبِأَىٰ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ» در مقام پاسخ به خداوند متعال گفته شود «لَا بِشَيْءٍ مِنْ آلَائِكَ رَبِّ أَكْذِبُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۴۲۹) و یا در هنگام کاشت بذر سفارش شده است که کشاورز با قرائت آیه «أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ أَ أَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ» (واقعه: ۶۴) خود را در یک ارتباط حضوری با پروردگار قرار داده و سپس در جواب این سؤال بگوید «بَلِ اللَّهُ الزَّارِعُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۶۲).

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که پس از تلاوت آیه «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» با خود بگویید «أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و پس از آیه «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» بگویید «أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۰، ص ۲۴۶). همچنین برای مشاهده روایات بیشتر در این زمینه بهتر است به باب «مَا يَسْتَحَبُّ أَنْ يَقَالَ بَعْدَ قِرَاءَةِ الْإِخْلَاصِ وَ فِي مَوَاضِعَ مَخْصُوصَةٍ مِنَ الْقُرْآنِ» در کتاب وسائل الشیعه مراجعه شود (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۷۰-۷۴).

چنین رابطه زبانی به معنای آن است که در قرائت هر آیه‌ای، گویا آن آیه در همان لحظه بر قرائت کننده نازل می‌شود و آن فرد مورد خطاب مستقیم خداوند قرار می‌گیرد. وجود این رابطه حضوری یکی از عوامل تأثیرگذاری شگرف قرآن کریم بر قلوب نیز می‌باشد که تحولات درونی

و روحی مشاهده شده در شنوندگان قرآن در طول تاریخ گواه بر آن است (ر.ک: محمدی، ۱۳۸۲ش، ص ۲۵۷-۲۹۸).

نتیجه آنکه بررسی نوع رابطه زبانی که در قرآن میان خداوند با قرائت‌کننده آن وجود دارد نشان می‌دهد که این رابطه یک رابطه حضوری است نه یک رابطه غیابی، و به لحاظ آنکه رابطه حضوری از ویژگی‌های گفتار می‌باشد، قرآن کریم از این منظر حائز ویژگی گفتار به شمار می‌آید.

۲-۱-۲. وابستگی زیاد به واحدهای زبرنجیری

عناصر آوایی که در امتداد زنجیره گفتار در کنار هم قرار می‌گیرند، واحدهایی آوایی (segments) نامیده می‌شوند، مثلاً در زنجیره آوایی واژه «خبر» عناصر [خ]، [-]، [ب]، [-]، [ر] جزء واحدهای زنجیری محسوب می‌شوند. اما حداقل یک ویژگی در هیچ یک از واحدهای زنجیری واژه «خبر» نمی‌گنجد و آن «تکیه» است، یعنی در زنجیره آوایی مشخص نیست که جایگاه «تکیه»، کدام یک از دو هجای واژه «خبر» است. به چنین ویژگی‌هایی که در زنجیره گفتار همزمان با واحد زنجیری و فراتر از آن تولید می‌شوند ولی نمی‌توان آن‌ها را واحدهای زنجیری مستقلی به شمار آورد، ویژگی‌های «زبرنجیری» (suprasegmental) می‌گویند.

زبان‌شناسان پدیده‌های زبرنجیری متعددی را برشمرده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: تکیه، آهنگ، نواخت، کمیت، وزن، ضرب گفتار، شدت، کیفیت، درنگ، زیر و بمی و طنین و... این عناصر همواره با واحدهای زنجیری (یعنی واح‌ها، هجاها، واژه‌ها و جملات) همراهند، از این جهت هرگز نمی‌توانند جدا از آن‌ها در نظر گرفته شوند (البرزی، ۱۳۹۶ش، ص ۱۹-۲۸).

فهم معنا هم در گفتار و هم در نوشتار وابسته به درک واحدهای زبرنجیری زبان است ولی این وابستگی در گفتار بسیار بیشتر از نوشتار است. در گفتار خصوصیات زبرنجیری، مجموعه‌ای از ممیزات را تشکیل می‌دهند که اطلاعات جانبی دیگری را اضافه بر آنچه در قالب کلمات ادا می‌شود در اختیار مخاطب می‌گذارند، در حالی که در نوشتار نمی‌توان از بسیاری از این ممیزات بهره گرفت و لذا نویسنده تلاش می‌کند با الفاظ و عبارات دیگر و فضاسازی قبل و بعد، خواننده را در شرایطی قرار دهد که اطلاعات جانبی را دریافت کند (صفوی، ۱۳۹۴ش، ص ۲۷).

از امور مسلم تاریخی آن است که وحی قرآنی به صورت شفاهی بر پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نازل شده است و در نتیجه ایشان کلام الهی را همراه با عناصر آوایی آن دریافت کرده‌اند. در مرحله ابلاغ نیز، حضرت قرآن را به صورت شفاهی به مردم منتقل نموده‌اند که به موجب آن ویژگی‌های آوایی قرآن نیز منتقل شده است. اما با مکتوب شدن قرآن و فاصله گرفتن از عصر

نزول و نبود علائم نگارشی به تدریج توجه به ویژگی‌های آوایی قرآن کم گردید. بدین خاطر گرچه بسیاری از قواعد و ضوابط کلی قرائت قرآن و دیگر مباحث آواشناسی (همچون مد و قصر، وقف و ابتداء، اظهار، اخفاء، ادغام و...) تحت عنوان دانش تجوید به نسل‌های بعد منتقل شد (ر.ک: ستوده‌نیا، ۱۳۸۰ش، ص ۶۰۱-۶۰۲)، اما کیفیت واحدهای زبرزنجیری در آیات مختلف به صورت مأثور محفوظ و مضبوط نماند.

با این حال معصومان^(ع) به اهمیت این مؤلفه‌ها توجه داده و در مقام بیان فضائلشان، از جمله علوم خود را آگاهی از ابتدا و انتهای فرازاها، لحن سؤال و جواب عبارات، مواضع قطع و وصل و تاکیدات قرآن برشمرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۰، ص ۴) که همگی متأثر از عناصر زبرزنجیری هستند. ایشان همچنین در برخی موارد، به طور مشخص مواضع قطع و وصل را در عبارات قرآن بیان داشته‌اند (ر.ک: همان، ج ۹۰، ص ۳۰-۳۲). در روایتی منسوب به امیرالمؤمنین^(ع) نیز مراد از «ترتیل» در آیه «رُزِّلَ الْقُرْآنُ تَرْتِیْلًا» (مزمّل: ۴) رعایت مواضع وقف و چگونگی بیان حروف بیان شده است (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۸، ص ۸۳۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۳۲۳). مجموع این روایات نشان از اهمیت عناصر آوایی در قرآن دارد. مضاف بر این دانشمندان قرآنی نیز از ابتدا بر این باور بوده‌اند که فهم کلام الهی در موارد بسیاری، متأثر از چگونگی واحدهای زبرزنجیری است. به عنوان مثال زرکشی معتقد است کسی که می‌خواهد قرآن را به کمال ترتیل تلاوت کند، باید آن را متناسب با منزل‌ها و موقعیت‌های گوناگون آیات بخواند، پس اگر آیه‌ای را می‌خواند که دربردارنده تهدید است، باید آن را با لحن تهدید بخواند و اگر آیه‌ای را می‌خواند که دربردارنده تعظیم است، باید آن را با لحن متناسب با تعظیم قرائت کند (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۸۲).

در دوره معاصر نیز قرآن‌پژوهان تحت تأثیر دانش معناشناسی آوایی (Phono-semantics) توجه ویژه‌ای به خصوصیات زبرزنجیری کلام الهی کرده‌اند. ایشان دیگر به نظم و آهنگ قرآن صرفاً نگاه زیبایی‌شناختی نداشته، بلکه متغیرهای فونتیک، هجایی و آوایی را با متغیرهای معنایی همراه و همپا می‌دانند. در این نظرگاه حرکت، سکون، منخارج حروف، مد، غنه، فواصل آیات، آوا و موسیقی آن‌ها و دیگر امور تجویدی در تناسب با سیاق معانی و مضامین سخن دانسته می‌شوند (فراستخواه، ۱۳۷۶ش، ص ۱۶۵) و از همین روست که توجه به مؤلفه‌های زبرزنجیری به عنوان قرائن متصل، از بایسته‌های فهم صحیح قرآن بشمار می‌آید (بابایی، ۱۳۹۴ش، ص ۱۷۵-۱۷۷). کتب تفسیری حاوی نمونه‌های زیادی از اختلاف نظرها در مورد معانی آیات است که

ناشی از پنهان بودن واحدهای زبرزنجیری می‌باشند (ر.ک: فوادیان و فرازی، ۱۳۹۴ش، ص ۲۴۸-۲۵۷).

نتیجه آنکه به جهت وابستگی معناشناختی زیادی که کلام الهی به عناصر آوایی دارد می‌توان گفت قرآن کریم در نسبت با مؤلفه‌های زبرزنجیری زبان، حائز ویژگی گفتار می‌باشد. از این رو به نظر می‌آید متن قرآن به لحاظ نحوه قرائت می‌بایست همچون متن نمایش‌نامه‌ها و فیلم‌نامه‌ها قرائت شود یعنی همان‌طور که ماهیت گفتار بودن نمایش‌نامه اقتضا می‌کند که عناصر زبرزنجیری آن در خوانش رعایت شده و دخالت داده شوند، در قرائت قرآن نیز باید ویژگی‌های زبرزنجیری کلام الهی رعایت گردند.

۳-۱-۲. تأثیرپذیری زیاد از بافت برون‌زبانی

رخدادهای زبانی (اعم از گفتار و نوشتار) دارای دو نوع بافت هستند، یکی بافت درون‌زبانی که عبارت است از محیطی که از طریق جملات زبان ساخته می‌شود (صفوی، ۱۳۹۴ش، ص ۶۰) و دیگری بافت برون‌زبانی که فضای پیرامونی حاکم بر ارتباط زبانی می‌باشد (صفوی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۲). زبان‌شناسان معتقدند رخداد زبانی در خلأ اتفاق نمی‌افتند بلکه شکل‌گیری آن تحت تأثیر عناصر غیرزبانی است که گوینده و نویسنده به اتکای آن‌ها رابطه زبانی را برقرار می‌کنند. این عناصر غیرزبانی عبارتند از: خصوصیات متکلم و مخاطب، شرایط زمانی و مکانی، موضوع و غرض ارتباط زبانی و... (صفوی، ۱۳۹۴ش، ص ۸۱-۸۶) که در لسان قرآن‌پژوهان با عنوان قرائن حالیه و مقامیه یا قرائن غیرلفظی از آن‌ها تعبیر می‌شود و مؤلفه‌هایی چون ویژگی‌های گوینده و مخاطب، مقام سخن، فرهنگ زمان نزول، سبب نزول، شأن نزول، زمان و مکان نزول، و... را در برمی‌گیرد (بابایی، ۱۳۹۴ش، ص ۱۲۵).

از جمله تفاوت‌های گفتار و نوشتار آن است که معانی در گفتار به مراتب بیش از نوشتار تحت تأثیر بافت برون‌زبانی هستند تا بدان جا که کاربردشناسان دستیابی به معنا را بدون لحاظ عناصر این بافت، امری نارسا و حتی غیرممکن قلمداد کرده‌اند (صفوی، ۱۳۹۴ش، ص ۶۰). بنابراین اگر مشخص شود که معانی در قرآن کریم تا حد زیادی متأثر از عناصر بافت برون‌زبانی است می‌توان نتیجه گرفت که کلام الهی بدین لحاظ واجد ویژگی گفتار می‌باشد.

اخبار وارده از معصومان (علیهم‌السلام) دلالت بر اهمیت این مؤلفه‌ها در نگاه ایشان دارد. از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) نقل شده است که فرموده‌اند: «به خدا سوگند هیچ حرفی از قرآن نازل نشده است، جز اینکه من می‌دانم درباره چه کسی و در چه روزی و در چه مکانی نازل گردیده است» (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۱۴). در روایت دیگری حضرت علاوه بر موارد گذشته می‌افزایند:

«آیه‌ای نازل نشده است مگر اینکه می‌دانم پیرامون چه موضوعی نازل گشته و اینکه در دشت نازل شده است یا در کوه» (ابن بابویه، ۱۳۷۶ش، ص ۲۷۶). در نقل دیگری از حضرت آمده است: «به خدا قسم آیه‌ای نازل نشده مگر آنکه من می‌دانم کجا نازل شده است، در شب نازل شده یا در روز» (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴۲).

در این روایات، امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مقام بیان جایگاه والای علمی خود نسبت به قرآن و معانی و مقاصد آن هستند و اشاره آن حضرت به اطلاع از زمان و مکان نزول آیات، موضوع آن‌ها و افرادی که آیات درباره آن‌ها نازل شده است، همگی دلالت بر این دارد که آگاهی از امور نامبرده، در فهم معانی و مقاصد قرآن کریم تأثیرگذار است (بابایی، ۱۳۹۴ش، ص ۱۵۵). در بیان دیگری حضرت مردم را به پرسش از قرآن فرامی‌خوانند و می‌فرمایند: از قرآن بپرسید تا به شما بگویم در مورد چه کسی و کجا نازل شده است (ابن بابویه، ۱۳۷۸ش، ج ۲، ص ۶۷). این بیان نیز نشان می‌دهد آگاهی از عناصر برون‌زبانی پاسخگوی بسیاری از ابهامات و سؤالات در مورد مضامین قرآن است. (برای مشاهده روایات بیشتر با این مضامین ر.ک: حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴۰-۴۷).

علاوه بر این‌ها، مصحفی که امیرالمؤمنین (علیه السلام) پس از رحلت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آماده کردند، به اعتقاد قرآن‌پژوهان مشتمل بر اسباب نزول، زمان و مکان نزول و اشخاصی بوده است که آیات در مورد ایشان نازل شده است (معرفت، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۳۹۲). نقل است که وقتی مصحف مذکور مورد قبول خلفا قرار نگرفت، امیرالمؤمنین ۷ فرمودند: این مصحف در نزد اوصیای من تا زمان فرزندم مهدی (علیه السلام) مخفی خواهد ماند و او سنت پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را بر مبنای آن اجرا کرده و مردم را براساس آن راهبری خواهد نمود (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۵۶). مبنای عمل قرار گرفتن چنین قرآنی در عصری که قرار است آموزه‌های اسلام به طور کامل و صحیح اجرا گردد نشان می‌دهد که فهم درست قرآن تا حد زیادی وابسته به عناصر برون‌زبانی آن است.

گذشته از روایات، دانشمندان علوم قرآنی نیز با بیان‌های مختلف به نقش مهم مؤلفه‌های برون‌زبانی در فهم آیات اشاره کرده‌اند. شاطبی شناخت اسباب نزول را بر همه طالبان دانش قرآن لازم می‌داند. او معتقد است محور اعجاز در نظم قرآن، شناخت مقتضای احوال اعم از حال مخاطب، حال گوینده و حال شنونده است زیرا که کلام واحد، بر حسب احوال یا مخاطب‌های متفاوت دارای معانی متفاوتی است (شاطبی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۳۱۱). شیخ ابوالفتح قشیری بیان سبب نزول را روشی مستحکم در فهم معان آیات قرآن قلمداد می‌کند (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۱،

ص ۱۱۷). واحدی شناخت تفسیر آیه بدون آگاه شدن از داستان آن و بیان راز نزول آن را غیرممکن می‌داند (زرقانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۰۲).

بنا بر آنچه گذشت، می‌توان نتیجه گرفت که معانی قرآن تا حد زیادی تحت تأثیر عناصر برون‌زبانی است و لذا از این منظر دارای شاخصه گفتار می‌باشد، کما اینکه برخی محققان به صراحت اتکاء قرآن به قرائن حالیه و مقامیه را دلیلی بر گفتار بودن ماهیت آن دانسته‌اند (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۶۴؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۲ش، ص ۱۲۰).

۴-۱-۲. تنوع و درهم‌تنیدگی موضوعی

از جمله تفاوت‌های گفتار و نوشتار آن است که گفتارها در مقایسه با نوشتارهای هم‌اندازه، هم متضمن موضوعات بیشتری هستند و هم موضوعات مختلف غالباً در گفتار به صورت درهم‌تنیده و تو در تو بیان می‌شوند، در حالی که در نوشتار موضوعات عموماً یک به یک و با مرزبندی مشخص ارائه می‌گردند. تفاوت در کثرت موضوعات و چینش آن‌ها ریشه در تعامل متفاوت طرفین، در گفتار و نوشتار دارد. در رخداد زبانی شفاهی، گوینده و شنونده به طور همزمان در محیط برقراری ارتباط حاضرند و در تفهیم و تفاهم با یکدیگر مشارکت دارند. حال آنکه در رخداد زبانی مکتوب میان نویسنده و خواننده بعد زمانی و مکانی فاصله می‌اندازد و نویسنده با در نظر گرفتن خواننده فرضی سعی می‌کند خود را در تعامل پنهان با او قرار دهد (شاهسوندی و خانه‌زاد، ۱۳۹۲ش، ص ۱۰۸-۱۰۹).

در گفتار گوینده تحت تأثیر اموری چون دلالت‌های غیرکلامی طرف مقابل، عوامل محیطی، تجارب مشترک و... موضوعات جدیدی برایش تداعی می‌شود (شاهسوندی و خانه‌زاد، ۱۳۹۲ش، ص ۱۱۰) که براساس آن‌ها خود را مجاز و بعضاً ملزم به تغییر موضوع می‌داند به گونه‌ای که موضوع جدیدی را در حالی که هنوز موضوع قبلی به فرجام نرسیده است مطرح می‌کند. جواز این امر از آنجا نشأت می‌گیرد که او اطمینان دارد که قرائن حالیه و مقامیه برای مخاطب روشن است و با لحاظ آن قرائن تغییر موضوعی بی‌ربط و فاقد ارتباط منطقی تلقی نمی‌شود. لزوم تغییر موضوعی نیز زمانی اتفاق می‌افتد که در نگاه گوینده، بر طرح موضوع جدید در خلال موضوع قبلی اثر یا کارکرد ویژه‌ای مترتب باشد که تأخیر در بیان، اثر یا کارکرد مذکور را از بین ببرد.

در مقابل در نوشتار بخشی از تداعی معانی‌هایی که می‌تواند نتیجه واکنش‌های کلامی و غیرکلامی مخاطب باشد برای نویسنده اساساً شکل نمی‌گیرد. همچنین نویسنده خود را مجاز نمی‌داند که براساس تداعی معانی‌هایی که از طریق شرایط محیطی برای او حاصل می‌شود موضوع جدیدی را در ضمن موضوع دیگر مطرح کند، زیرا که می‌داند به جهت پنهان بودن

قرائن حالیه و مقامیه کشف ارتباط منطقی میان موضوعات برای مخاطب امکان‌پذیر نبوده و در نتیجه نوشته او فاقد نظم و پیوستگی قلمداد می‌شود. نویسنده فقط هنگامی دست به تغییر موضوعی می‌زند که بتواند نشانه‌ای لفظی را در نوشتار خود به عنوان قرینه قرار دهد تا خواننده با تمسک به آن، سبب تغییر موضوع را کشف کند.

نتیجه آنکه تفاوتی که در نوع تعامل طرفین در گفتار و نوشتار وجود دارد، موجب می‌شود که اولاً؛ تنوع موضوعی در گفتار به مراتب بیش از نوشتار باشد و ثانیاً؛ موضوعات مختلف در گفتار به صورت متداخل و درهم‌تنیده مطرح شوند در حالی که در نوشتار موضوعات غالباً به صورت یک به یک و با مرزبندی مشخص ارائه می‌گردند.

روایات معصومان (ع) بیانگر آن است که موضوعات متنوع در قرآن کریم به سبکی درهم‌تنیده و متداخل ارائه می‌شود. از امام صادق (ع) نقل گردیده که آیه قرآن ابتدایش در مورد موضوعی، وسطش پیرامون موضوعی دیگر و انتهایش در باب موضوع سوم می‌باشد (برقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲، ص ۳۰۰؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۱۱). روشن است که این روایت در مقام توصیف وضعیت تمام آیات نیست چرا که بسیاری از آیات تک موضوع هستند، لذا بر تبیین وضعیت نوعی آیات از حیث تنوع موضوعی حمل می‌شود. در روایت دیگری تحت عنوان «الْمُنْقَطِعُ الْمَعْطُوفُ» به طور مصداقی به عبارت‌هایی از قرآن اشاره شده است که از جهت موضوعی از یکدیگر منقطع و جدا بوده ولی به لحاظ زنجیره کلام در کنار یکدیگر آمده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ص ۳۰-۳۲).

به عنوان مثال به انقطاع موضوعی فراز «الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَحْشَوْهُمْ وَ اِحْشَوْنِ الْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ اَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْاِسْلَامَ دِينًا» (مانده: ۳) از قبل و بعد آن یا تفاوت موضوعی آیه «قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ رَعَيْتُمْ مِنْ ذُنُوبِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَ لَا تَحْوِيلًا» (الإسراء: ۵۶) با آیات پسین و پیشین اشاره شده است.

تنوع موضوعی در قرآن، امری است که هرکس قرآن را مطالعه می‌کند به راحتی متوجه آن می‌شود و مشاهده می‌کند که چگونه موضوعات مختلفی همچون معارف اعتقادی، احکام شرعی، قصص و امثال، مواظب و ارشادات، بشارت‌ها و انذارها و... در قرآن به شیوه‌ای درهم‌آمیخته و مزجی بیان شده‌اند (معرفت، ۱۴۲۳ق، ص ۴۲۱؛ شاکر، ۱۳۸۲ش، ص ۱۲۴). به جهت وجود این سبک بیانی است که برخی قرآن‌پژوهان کلام الهی را «جنگ‌گونه» دانسته (بهجت‌پور، ۱۳۹۲ش، ص ۱۲۱) و برخی روش آن را «مزج موضوعی» (زمانی، ۱۳۹۲ش، ص ۳۲۹) یا «پاشانی» عنوان کرده‌اند (یزدی، ۱۳۹۲ش، ص ۱۴۴). اتهام تشتت و پراکنده‌گویی که از سوی مستشرقانی چون

بلاشر، نولدکه، ریچارد بل، دوریر، گلدزیهر، کارلایل و... به قرآن نسبت داده شده است نیز ریشه در همین سبک بیانی دارد (ر.ک: زمانی و قانع اردکانی، ۱۳۹۱ش، ص ۵۷-۷۶).

آنچه از بیان روایات، نظرگاه قرآن‌پژوهان و قضاوت مستشرقان فهمیده می‌شود آن است که موضوعات متنوع در قرآن کریم به سبکی درهم‌آمیخته و متداخل بیان شده‌اند. نظر به اینکه این سبک بیانی از ویژگی‌های گفتار می‌باشد، می‌توان گفت که کلام الهی به لحاظ روش طرح موضوعات واجد مشخصه گفتار است.

۲-۲. شاخصه‌های نوشتار در قرآن

نوشتار همان ارتباط زبانی مکتوب و رخدادی است که در قالب نوشته به وقوع می‌پیوندد. مسلمانان بر این اعتقاد هم‌نظر هستند که قرآن کتاب الهی است که خداوند آن را به عنوان معجزه جاوید بر حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نازل کرده است. حتی غیرمسلمانان نیز قرآن را به عنوان کتاب پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌شناسند، لذا باور عمومی مردم جهان آن است که آنچه بر پیامبر اسلام نازل شده است یا حداقل او ادعای نزولش را دارد کتابی از جانب پروردگار می‌باشد. این باور ریشه در آموزه‌های خود قرآن کریم دارد. در آیات بسیاری با عنوان «کتاب» از قرآن یاد شده است (برای نمونه ر.ک: بقره: ۲، مائده: ۱۵، احقاف: ۱۲) که در برخی از آن‌ها این واژه همراه با مشتقات «نزل» آمده است که صریحاً بیان می‌کند آنچه بر پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نازل گردیده کتاب بوده است (ر.ک: نساء: ۱۰۵، آل عمران: ۳، مائده: ۴۸، انعام: ۹۲ و ۱۵۵، ص: ۲۹). البته لازم به ذکر است که واژه «کتاب» در استعمال قرآنی علاوه بر معنای خود قرآن، در معناهای متعدد دیگری نیز به کار رفته است (برای اطلاع ر.ک: شریعتی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۲۷-۱۴۷).

اهمیت این آیات از آن باب است که نشان می‌دهند عنوان «کتاب» برای قرآن پس از به کتابت در آمدن وحی، به آن اطلاق نشده است بلکه در همان مرحله نزول، آنچه نازل گردیده ماهیت کتاب داشته است. بر همین مبناست که قرآن کریم خود را «کتاب الله» (فاطر: ۲۹) معرفی می‌کند. در روایات نبوی نیز مصادیق بسیاری همچون حدیث ثقلین (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۱، ص ۲۳۴)، روایت عرضه (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۶۹)، روایت پناهندگی به قرآن در فتنه‌ها (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۹۸-۵۹۹) و... وجود دارد که در آن‌ها به قرآن کریم با عنوان «کتاب» و «کتاب الله» اشاره شده است.

با توجه به آنکه این روایات در زمانی صادر شده‌اند که هنوز نزول وحی به اتمام نرسیده و به صورت کتاب جمع‌آوری نشده بوده است، مشخص می‌گردد که وحی الهی در نگاه پیامبر خدا

ماهیت کتاب داشته است. علاوه بر این تعبیر «الکتاب المنزل» در روایات معصومان^(علیهم السلام) نیز دلالت بر این دارد که آنچه بر پیامبر خدا^(صلی الله علیه و آله و سلم) نازل گردیده حائز مشخصات کتاب بوده است (ر.ک: همان، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۶۹؛ ابن طاووس، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۳۲۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۶، ص ۱۴).

توصیفات مذکور نشان می‌دهند وحی نازل شده بر پیامبر خدا^(صلی الله علیه و آله و سلم) دارای شاخصه‌هایی از نوشتار است که به اعتبار آن‌ها خداوند و اولیای او قرآن را به عنوان کتاب معرفی کرده‌اند. در این بخش با تکیه بر روایات این شاخصه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱-۲. تعیین پیشانزولی معانی و الفاظ

از نقاط تمایز نوشتار و گفتار این است که در نوشتار معنای متن و الفاظ آن پیش از ارتباط زبانی مخاطب با متن، ایجاد شده و طرح‌ریزی گردیده‌اند ولی در گفتار معنا و لفظ در حین ارتباط زبانی مخاطب و گوینده شکل می‌گیرند و انشاء می‌شوند. هرمنوتیست فرانسوی، پل ریکور، معتقد است در نوشتار معنا مقدم بر ارتباط زبانی است ولی در گفتار معنا در حین ارتباط زبانی شکل گرفته و محصول آن می‌باشد (واعظی، ۱۳۸۰ش، ص ۳۶۱).

در گفتار به جهت رابطه حضوری متکلم و مخاطب، شنونده نیز همزمان با گوینده در چگونگی رخداد زبانی نقش دارد و در واقع گوینده، کلام خود را بر مبنای دلالت‌های کلامی و غیرکلامی که از شنونده دریافت می‌کند تنظیم می‌نماید (شاهسوندی و خانه‌زاد، ۱۳۹۲ش، ص ۱۰۹)، از این روست که معانی، در حین رخداد زبانی و متناسب با شرایط، اراده شده و در قالب الفاظ بیان می‌گردند. اما در نوشتار با توجه به غیابی بودن رابطه زبانی، خواننده با متنی مواجه است که معانی و الفاظ آن از پیش اراده شده است و کنش‌های لحظه‌ای او و شرایط محیطی‌اش تأثیری در تغییر روند متن و معنای آن ندارد.

با این توضیح اگر مشخص شود که آیات قرآن پیش از نزول متعین بوده‌اند، می‌توان نتیجه گرفت که قرآن کریم از این جهت ویژگی نوشتار را دارد و اگر معلوم شود که از پیش متعین نبوده و تنها در همان حین نزول انشاء می‌شده‌اند نتیجه می‌شود که قرآن از این حیث دارای مشخصه گفتار است.

از جمله دلایلی که تعیین پیشانزولی متن قرآن را اثبات می‌کند نزول دفعی آن می‌باشد. نزول دفعی از مسائل مورد اختلاف عالمان اسلامی است که بررسی ادله موافقان و مخالفان آن، برتری

استدلال‌ها و مستندات موافقان را روشن می‌کند (برای آگاهی از موافقان و مخالفان این نظریه و ادله ایشان ر.ک: ناصحیان، ص ۱۳۸۴ش، ص ۷۲-۸۴؛ ری شهری، ۱۳۹۱ش، ج ۱، ص ۱۵۱-۱۶۵). نازل شدن تمام قرآن به یکباره پیش از نزول تدریجی نشان می‌دهد آنچه در طی ۲۰ یا ۲۳ سال (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۹، ص ۹۳) بر پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) وحی شده است از قبل طرح‌ریزی شده و الفاظ و عباراتش مشخص بوده است.

لازم به ذکر است که برخی از قائلان به نزول دفعی، چنین نزولی را مربوط به حقیقت یا روح قرآن دانسته‌اند و نه ناظر به الفاظ و عبارات آن (ر.ک: ری شهری، ۱۳۹۱ش، ج ۱، ص ۱۵۹). بررسی نظرات و ادله این عده و کسانی که به طور کلی نزول دفعی را رد می‌کنند نشان می‌دهد عاملی که سبب استبعاد مشترک ایشان از تعیین پیشانزولی الفاظ و عبارات قرآن شده است، اشکال عقلی است که ریشه در ناسازگار پنداری علم سابق الهی با افعال اختیاری انسان دارد. از آنجا که بسیاری از دانشمندان امامیه به سازگاری علم پیشین الهی با اختیار انسان معتقد بوده‌اند (ر.ک: سهرابی فر، ۱۳۸۶ش، ص ۱۸۹-۱۹۷) پذیرش دیدگاه تعیین پیشانزولی متن قرآن مانع عقلی ندارد. علاوه بر این، ادله قرآنی که موافقان نزول دفعی به آن استناد کرده‌اند (ر.ک: بقره: ۱۸۵، دخان: ۱-۳، قدر: ۱) ظهور در نزول الفاظ قرآن دارد نه روح و حقیقت آن، همچنان که آیات «لَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ» (طه: ۱۱۴) و «لَا تُحْرِكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ» (قیامت: ۱۶) نیز که به عنوان مؤیدی بر نزول دفعی شمرده شده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۲۱۵؛ ج ۲۰، ص ۱۱۱) نشان از آگاهی پیشین پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به الفاظ و عبارات قرآن دارند، لذا با نزول دفعی در قالب الفاظ سازگارند نه با نزول دفعی روح و حقیقت قرآن (برای آگاهی از اشکالات نسبت به دیدگاه تعیین پیشانزولی متن قرآن و پاسخ آن‌ها ر.ک: عرب صالحی، ۱۳۹۸ش، ص ۴۲-۵۰).

امام صادق (علیه السلام) در روایتی با تأیید نزول تدریجی قرآن، به آیات ۱۸۵ سوره بقره و ۳ سوره دخان که ظهور در نزول دفعی دارند اشاره می‌کند و آنگاه که مفضل بن عمر از چگونگی سازگاری این آیات با نزول تدریجی طی ۲۳ سال سؤال می‌کند، می‌فرماید: خداوند قرآن را در ماه رمضان به پیامبر اعطا کرد، ولی پیامبر جز در وقت مناسب خطاب و امر و نهی، آن را ابلاغ نمی‌کرد، پس جبرئیل با وحی بر پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرود می‌آمد و آنچه امر شده بود را به ایشان ابلاغ می‌کرد (آنگاه حضرت آن را برای مردم بازگو می‌کردند) و از جمله اوامر الهی قول خدای متعال بود که «لَا تُحْرِكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ» (قیامت: ۱۶) (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۸۹، ص ۳۸).

این روایت تصریح دارد که قرآن کریم یکجا بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل گردیده است ولی حضرت نسبت به بیان آن مأذون نبودند مگر زمانی که با فراهم شدن شرایط، بیک الهی آنچه حضرت مأمور به ابلاغ آن بودند را بر ایشان وحی می‌کرد. در روایت دیگری وقتی از امام صادق (علیه السلام) در مورد آیه «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ» (بقره: ۱۸۵) و تناسبش با این حقیقت که قرآن به تدریج نازل شده است سؤال می‌شود، ایشان می‌فرمایند: تمام قرآن در ماه رمضان به بیت المعمور نازل شد و سپس در طول بیست سال به تدریج نازل گردید (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۲۸). چیستی «بیت المعمور» و محل آن مورد اختلاف دانشمندان اسلامی است (ر.ک: اخوان مقدم و شاهمیرانی، ۱۳۹۵ش، ص ۸۷-۱۰۶).

طبق نظر مشهور، «بیت المعمور» جایگاهی مقدس در آسمان چهارم و محاذی کعبه است که ملائکه در آنجا به طواف می‌پردازند. شیخ صدوق در کتاب «اعتقادات الامامیه» براساس چنین روایاتی معتقد است که پیش از نزول تدریجی، قرآن با نزول دفعی بر «بیت المعمور» نازل شده است و پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت به محتوای آن عالم بوده‌اند به گونه‌ای که ایشان را از تعجیل در قرائت نهی کرده‌اند (ابن بابویه، ۱۴۱۴ق، ص ۸۲). البته شیخ مفید در کتاب «تصحیح الاعتقادات» این دیدگاه را به نقد می‌کشد (ر.ک: مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۱۲۳-۱۲۷) ولی علامه مجلسی نقدهای او را به جهت غفلت از منظور شیخ صدوق دانسته و با نقل سخنان هر دو عالم، به اشکالات شیخ مفید پاسخ می‌دهد (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۲۵۰-۲۵۴).

از اموری که به عنوان شاهد بر تعیین پیشانزولی قرآن به شمار می‌آید، خبردادن انبیاء گذشته از قرآن و برخی ویژگی‌های آن می‌باشد. از امیرالمؤمنین (علیه السلام) ۷ نقل است که خداوند به حضرت موسی (علیه السلام) و انبیاء پس از او نزول کتاب بر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را خبر داده بود و ایشان به بنی اسرائیل این مطلب را اعلام کرده و از تک‌تک ایشان عهد گرفته بودند که به پیامبر آخرالزمان که در کتابش، ابتدای بعضی سوره‌ها حروف مقطعه است ایمان آورند (ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ص ۲۴-۲۵).

همچنین از پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل است که خداوند دو هزار سال پیش از خلقت آسمان و زمین کتابی را فوق عرش قرار داده بود و دو آیه آخر سوره بقره را از آن کتاب نازل کرده و با آن‌ها سوره بقره را ختم کرده است (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۱۶۰).

در روایت دیگری در پاسخ به این پندار که امتداد نسل حضرت آدم (علیه السلام) نتیجه ازدواج پسران و دختران او با یکدیگر بوده است، بیان گردیده که خداوند دو هزار سال پیش از خلقت آدم (علیه السلام) ۷ قلم را امر به نوشتن کرد و درپی آن تمام آنچه تا قیامت محقق خواهد شد در لوح



محفوظ ثبت گردید که از آن جمله کتب آسمانی [تورات، انجیل، زبور و قرآن] بوده که در تمام آن‌ها حکم حرمت خواهر بر برادر آمده است (ابن بابویه، ۱۳۸۵ش، ص ۱۸-۱۹).
 بنابراین روایت، محتوای قرآن مدت‌ها پیش از نزول آن انشاء شده بوده و این محتوا نه به صورت روح و حقیقت اجمالی، بلکه به شکل تفصیلی متعین بوده است. علامه مجلسی در مقام توضیح نظرگاه روایات در مورد تعیین پیش‌انزولی متن قرآن و پاسخ به استبعاد این موضوع می‌گوید:

«بر اساس اخبار مستفیض ثابت است که خداوند تمام کتب آسمانی را که بر انبیائش نازل کرده است، قبل از خلقت آسمان و زمین در لوح محفوظ ثبت نموده است. سپس به اقتضای مصالح در هر وقت و زمانی بخشی از آن‌ها را نازل کرده است. اما انطباق این کتب با حوادث متأخر مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ زیرا خداوند از قبل به آنچه مخاطبان این کتب درباره آن صحبت می‌کنند و اعمالی که از آنان صادر می‌شود و وقایعی که میانشان اتفاق می‌افتد عالم بوده است. از این رو در قرآن جواب تمام این امور را از قبل بر اساس علم الهی که خطایی در آن راه ندارد ثبت نموده است. پس هیچ استبعادی وجود ندارد که قرآن به یکباره بر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شده باشد و ایشان امر شده باشند که چیزی از آن را بر امت نخوانند مگر بعد از آن که هر بخشی از آن در وقت متناسب با شرایط نازل گردد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۸، ص ۲۵۳).

با توجه به آنچه گذشت آیات قرآن پیش از نزول، مشخص و متعین بوده‌اند و اینگونه نبوده است که قرآن در حین نزول، طی یک گفت‌وگو میان خداوند و پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شکل گرفته و الفاظ و معانی در خلال آن متولد شده باشند. از این رو در نزول قرآن، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مخاطب ابلاغ وحی بوده است نه مخاطبی که یکی از طرفین گفت‌وگو باشد. بنابراین قرآن به لحاظ آنکه الفاظ و معانی پیش از رخداد زبانی (نزول وحی) متعین بوده‌اند دارای شاخصه نوشتار است.

۲-۲-۲. یکسویه بودن ارتباط زبانی

گفتار فرآیندی دو سویه است که میان گوینده و شنونده صورت می‌پذیرد و در غالب موارد، در طی رخداد زبانی نقش گوینده و شنونده بارها عوض می‌شود (شاهسوندی و خانه‌زاد، ۱۳۹۲ش، ص ۱۰۹) اما در نوشتار نقش نویسنده و خواننده تا انتهای رخداد زبانی ثابت است. براین اساس

ارتباط زبانی در گفتار یک ارتباط دوسویه و در نوشتار یک ارتباط یکسویه است. البته در برخی مصادیق گفتار همچون خطابه این رابطه تا حدی مشابه رابطه یکسویه است ولی از آنجا که واکنش‌های آنی و دلالت‌های کلامی و غیر کلامی شنوندگان در حین رخداد زبانی در چگونگی پیشرفت آن نقش دارد، این رابطه به طور کامل یکسویه نیست.

در مقابل، در نوشتار به جهت عدم تأثیرگذاری کنش‌های لحظه‌ای مخاطب در چگونگی پیشرفت نوشتار، رابطه زبانی کاملاً یکسویه می‌باشد. بنابراین اگر مشخص شود که ارتباط زبانی در قرآن کریم، به معنایی که گذشت ارتباطی کاملاً یکسو است، نتیجه می‌شود که از این حیث قرآن واجد شاخصه نوشتار می‌باشد.

قرآن‌پژوهان معتقدند ارتباط زبانی در وحی قرآنی، منحصرأ یک‌جهتی است، بدین معنا که این رابطه پس از برقرار شدن، مطلقاً جهت عکس پیدا نمی‌کند (ایزوتسو، ۱۳۶۸ق، ص ۲۰۱). زیرا وحی ارتباط زبانی متعارف نیست که دو طرف با هم برقرار می‌کنند، بلکه ارتباطی یک‌طرفی است که شخص اول با شخص دوم برقرار کرده و به او وحی می‌کند ولی شخص دوم نمی‌تواند به شخص اول وحی بفرستد (قائمی‌نیا، ۱۳۸۹ش، ص ۱۳۰).

تمام آیاتی که دلالت بر نزول قرآن دارند بالملازمه دلالت بر یکسویه بودن رابطه زبانی در قرآن می‌کنند، به ویژه آیاتی که ظهور در نزول دفعی (ر.ک: بقره: ۱۸۵، قدر: ۱، دخان: ۲-۳) دارند و یا آیاتی که حکایت از وجود پیشین قرآن در لوح محفوظ می‌کنند (ر.ک: زخرف: ۲-۴، بروج: ۲۱-۲۲، هود: ۱، واقعه: ۷۷-۷۹).

روایات معصومان: نیز بیانگر آن است که این رابطه کاملاً یکسویه بوده و پیامبر بدون آنکه نقشی در چگونگی متن قرآن داشته باشد، تنها دریافت‌کننده وحی الهی بوده است. از جمله روایات بیانگر این حقیقت، اخبار منقول در بخش گذشته است. زیرا که با اثبات تعیین پیشانزولی متن قرآن، مشخص می‌شود که ارتباط زبانی در حین وحی یک ارتباط یک‌طرفه بوده و پیامبر نقشی در ایجاد الفاظ و عبارات قرآن نداشته‌اند.

علاوه بر این روایات، در مورد چگونگی لوح محفوظ، ذیل آیات «بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ * فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ» (بروج: ۲۱-۲۲) وارد شده است که لوح محفوظ دو طرف دارد، یک طرفش در سمت راست عرش است و طرف دیگرش بر پیشانی اسرافیل قرار دارد، زمانی که خداوند به وحی تکلم می‌کند، لوح بر پیشانی اسرافیل می‌خورد و او در آن می‌نگرد و آنچه را در لوح می‌بیند به جبرئیل وحی می‌کند (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۱۴). گرچه بسیاری از کلمات و عبارات این روایت نیاز به تبیین دارد که این پژوهش درصدد آن نیست، لکن از آنجا که مضمون آن خلاف آموزه‌های قرآن و سنت نمی‌باشد مورد قبول واقع شده است (ر.ک: ابن بابویه، ۱۴۱۴ق، ص ۸۱)

و اجمالاً دلالت بر آن دارد که ابلاغ وحی به پیامبر ^(صلی الله علیه و آله و سلم) با واسطه‌هایی همراه بوده است که این خود نشان از یکسویه بودن رابطه زبانی دارد.

در روایت دیگری امیرالمؤمنین ^(علیه السلام) در تشریح اقسام وحی به پیامبران الهی، آن را به انحاء مختلفی دانسته و می‌فرماید: وحی الهی به یک شکل نیست، از جمله موارد آن سخن گفتن خداوند با رسولانش، قرار دادن چیزی در قلب‌هایشان، رؤیایی که در خواب به ایشان نشان داده می‌شود و تنزیلی است که (به واسطه فرشته) بر ایشان تلاوت می‌شود (ابن بابویه، ۱۳۹۸ق، ص ۲۶۴). به جزء مورد اول بقیه موارد حاکی از رابطه‌ای یکسویه در حین وحی می‌باشند. از طرف دیگر با نظر به آنکه از میان اقسام مختلف وحی، اکثر قریب به اتفاق وحی قرآنی از نوع وحی با وساطت فرشته دانسته شده است (کریمی، ۱۳۸۶ش، ص ۲۱۳) و همچنین با لحاظ روایات بیانگر تعیین پیشانزولی قرآن می‌توان گفت که قرآن کریم در طی یک ارتباط زبانی یک‌طرفه به پیامبر ^(صلی الله علیه و آله و سلم) ابلاغ شده است و از این منظر دارای شاخصه نوشتار می‌باشد.

نتایج تحقیق

- ۱- دوگانه «گفتاری/نوشتاری» اشاره به دو نوع سبک بیانی دارد ولی دوگانه «گفتار/نوشتار» ناظر به دو قسم از رخداد زبانی می‌باشد.
- ۲- زبان قرآن علی‌رغم شباهت‌های بسیار به زبان بشر، لزوماً به طور کامل تابع چارچوب‌ها و قالب‌های آن نمی‌باشد، لذا می‌تواند تلفیقی از شاخصه‌ها در هر یک از دوگانه‌های «گفتاری/نوشتاری» و «گفتار/نوشتار» را دارا باشد.
- ۳- با لحاظ قرآن به مثابه رخداد زبانی مشخص گردید که از منظر روایات، قرآن کریم واجد شاخصه‌هایی تلفیقی از گفتار و نوشتار می‌باشد.
- ۴- شاخصه‌هایی از گفتار که در قرآن کریم شناسایی گردیدند عبارتند از: حضوری بودن رابطه زبانی، وابستگی زیاد به واحدهای زبرنجیری، تأثیرپذیری زیاد از بافت برون‌زبانی، تنوع و درهم‌تنیدگی موضوعی.
- ۵- تعیین پیشانزولی معانی و الفاظ و همچنین یکسویه بودن ارتباط زبانی دو شاخصه‌ای از نوشتار هستند که قرآن کریم حائز آن‌ها تشخیص داده شد.

کتاب‌نامه:

قرآن کریم.

- آجیلیان مافوق، محمد مهدی؛ اسماعیلی زاده، عباس؛ طباطبایی پور، سید کاظم (۱۳۹۷ش)، «نوشتاری بودن زبان قرآن در مقایسه با شاخصه‌های دیسکورس‌های گفتاری و نوشتاری»، *دوفصلنامه آموزه‌های قرآنی*، شماره ۲۸.
- آرکون، محمد (بی‌تا)، *الفکر الاسلامی نقد و اجتهاد*، ترجمه و تعلیق: هاشم صالح، الجزائر: المؤسسة الوطنية للكتاب.
- آشوری، داریوش (۱۳۹۴ش)، *زبان باز*، تهران: نشر مرکز.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ش)، *الأمالی*، تهران: کتابچی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، *عیون أخبار الرضا*، تحقیق: مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵ش)، *علل الشرائع*، قم: کتاب فروشی داوری.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیه.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸ق)، *التوحید*، تصحیح: هاشم حسینی، قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *معانی الأخبار*، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۴ق) *إعتقادات الإمامیه*، قم: کنگره شیخ مفید.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹ق)، *إقبال الأعمال*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- ابوزید، نصر حامد (۱۳۹۶ش)، *نوسازی، تحریم و تأویل*، تهران: نشر نی.
- احمدی، بابک (۱۳۸۹ش)، *ساختار و تأویل متن*، تهران: نشر مرکز.
- اخوان مقدم، زهره، شاهمیرانی، ناهید (۱۳۹۵ش)، «مطالعه تطبیقی آراء مفسران فریقین در چیستی و کجایی بیت هالمعمور»، *مطالعات تطبیقی قرآن پژوهی*، شماره ۱.
- ایازی، محمد علی (۱۳۷۹ش)، «نقدی بر نظریه گفتاری بودن زبان قرآن»، *پژوهش‌های فلسفی کلامی*، شماره ۴.
- ایزوتسو، تو شیهیکو (۱۳۶۸ش)، *خدا و انسان در قرآن*، مترجم: احمد آرام، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بابایی، علی اکبر (۱۳۹۴ش)، *قواعد تفسیر قرآن*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

- باقری، مه‌ری (۱۳۷۴ش)، *مقدمات زبانشناسی*، تبریز: دانشگاه تبریز.
- البرزی، پرویز (۱۳۹۶ش)، *زبان‌شناسی جمله: نگاهی جامع به مسائل زبان*، تهران: دانشگاه تهران.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ق)، *المحاسن*، تحقیق: جلال‌الدین محدث، قم: دارالکتب‌الاسلامیه.
- بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۲ش)، *تفسیر تنزیلی؛ مبانی، اصول قواعد و فواید*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البت علیهم‌السلام.
- حسکانی، عبیدالله بن عبدالله (۱۴۱۱ق)، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تحقیق: محمدباقر محمودی، تهران: التابعه لوزاره الثقافه و الإرشاد الإسلامی.
- رامیار، محمود (۱۳۶۹ش)، *تاریخ قرآن*، تهران: امیرکبیر.
- زرقانی، محمد عبدالعظیم (بی‌تا)، *مناهل العرفان فی علوم القرآن*، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- زرکشی، محمد بن بهادر (۱۴۱۰ق)، *البرهان فی علوم القرآن*، تحقیق: جمال حمدی ذهبی، بیروت: دار المعرفه.
- زرنوشه فراهانی، حسن، صفره، حسین (۱۳۹۸ش)، «بررسی و نقد نصر حامد ابوزید در اثبات تاریخ‌مندی قرآن کریم»، *دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث*، شماره ۲۵.
- زمانی، محمد حسن (۱۳۹۲ش)، *مستشرقان و قرآن*، قم: بوستان کتاب.
- زمانی، محمد حسن؛ قانع اردکانی، علی (۱۳۹۱ش)، «نقد شبهات مستشرقان درباره تناسب آیات قرآن»، *دوفصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان*، شماره ۱۲.
- ستوده‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۰ش)، «تجوید»، *دانشنامه جهان اسلام*، تهران: دائره المعارف اسلامی.
- سهرابی‌فر، محمدتقی (۱۳۸۶ش)، *علم پیشین الهی و اختیار انسان*، قم: وثوق.
- شاطبی، ابراهیم بن موسی (۱۴۱۶ق)، *الموافقات فی اصول الشریعه*، بیروت: دارالمعرفه.
- شاکر، محمد کاظم (۱۳۸۲ش)، *مبانی و روش‌های تفسیری*، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- شاهسوندی، شهره و خانه‌زاد، امید (۱۳۹۲ش)، *تغییر مخاطب در قرآن*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شریعتی، غلام‌محمد (۱۳۹۰ق)، «معناشناسی در زمانی واژه کتاب در قرآن»، *قرآن‌شناخت*، شماره ۷.
- صفوی، کورش (۱۳۹۴ش)، *معنی‌شناسی کاربردی*، تهران: همشهری.
- صفوی، کوروش (۱۳۷۹ش)، *درآمدی بر معنی‌شناسی*، تهران: حوزه هنری.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه‌الأعلمی للمطبوعات.

- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، **الإحتجاج**، تحقیق: محمد باقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تصحیح: فضل الله یزدی طباطبایی، هاشم رسولی، تهران: ناصر خسرو.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، **تهذیب الأحکام**، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- عرب صالحی، محمد (۱۳۹۸ش)، «وجود پیشین قرآن و پیامدهای قرآن شناختی آن»، **پژوهشنامه معارف قرآنی**، شماره ۳۸.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، **تفسیر العیاشی**، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمیة.
- فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، **التفسیر الکبیر**، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۷۶ش)، **زبان قرآن**، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- فوادیان، محمد حسن و فرازی، علی رضا، (۱۳۹۴ش)، «بررسی نقش آهنگ جمله در تعیین معانی آیات قرآن کریم»، **دو فصلنامه ادب عربی**، شماره ۲.
- فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶ق)، **الوافی**، اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام.
- قائم‌نیا، علیرضا (۱۳۸۹ش)، **بیولوژی نص**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، **تفسیر القمی**، تحقیق: طیب موسوی جزائری، قم: دار الکتب.
- کریمی، مصطفی (۱۳۸۶ش)، **وحی شناسی**، قم: موسسه امام خمینی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، تحقیق: علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، **بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار (علیهم السلام)**، تحقیق: جمعی از محققان، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۱ش)، **شناخت‌نامه قرآن بر پایه قرآن و حدیث**، قم: دارالحدیث.
- محمدی، محمد حسین (۱۳۸۲ش)، **هزار و یک حکایت قرآنی**، قم: لاهیجی.
- معرفت، محمد هادی (۱۴۱۵ق)، **التمهید فی علوم القرآن**، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۸۷ش)، **التفسیر الأثری الجامع**، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- معرفت، محمد هادی (۱۴۲۳ق)، **شبهات و ردود حول القرآن الکریم**، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، **تصحیح اعتقادات الإمامیه**، تحقیق: حسین درگاهی، قم: کنگره شیخ مفید.

نا صحیحان، علی رضا (۱۳۸۴ش)، «نزول دفعی قرآن؛ شبهات و پاسخ‌ها»، *مجله تخصصی الهیات و حقوق*، شماره ۱۷.

نکونام، جعفر (۱۳۷۹ش)، «زبان قرآن؛ گفتاری یا نوشتاری»، *پژوهش‌های فلسفی کلامی*، شماره ۳.

نکونام، جعفر (۱۳۸۰ش)، *درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن*، تهران: هستی‌نما.

واعظی، احمد (۱۳۸۰ش)، *درآمدی بر هرمنوتیک*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

واعظی، احمد (۱۳۹۷ش)، *نظریه تفسیر متن*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

یزدی، علی محمد (۱۳۹۲ش)، *روش بیان قرآن*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.